

The Factual Possible World in Pahlavi Conditional Sentences: Past System

Roshanak Azari*

Abstract

Conditional sentences are recognized as one of the Universals of Language and have been studied according to the language typologies. This article reviews grammatical tenses applied in the formation of Pahlavi conditional sentences, derived from Zand-ī Vohuman Yasn, Zātsparam, and Rivāyat-ī Pahlavi. This descriptive-quantitative analysis intends to prove the tendency between the possible world of conditional sentences with their applied grammatical tenses. 13 conditional sentences were located in the two first mentioned books and were suitable for the verb structure study. 160 sentences out of the 250 conditional sentences in Rivāyat-ī Pahlavi were chosen for the statistical survey. 85% of the subordinated clauses had verbs from the present system and 15% from the past system. The semantical analysis showed that in the Pahlavi language if the grammatical tenses in both clauses were made on the past system, the possible world would be factual in most cases. This result accords with Baqayi and Naqzgoo-Kohan's research outcome (2019), which was based on Declerck and Reed's typology for New Persian conditional sentences. This study showed an abundant variety in the formation of conditional sentences aided by present and past tenses, nominal and, gerund forms. The Pahlavi unfulfilled conditional past tense was observed in the formation of other complex sentences, with indicative moods.

Keywords: Conditional Sentences, Grammatical Tense, Pahlavi Language, Possible World, Typology.

* The Assistant Professor of Persian Language & Literature Department, Farhangian University, Mashhad, Iran. azariroshanak@gmail.com

Date received: 25/06/2022, Date of acceptance: 24/08/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی: دستگاه فعلی گذشته

روشنک آذری*

چکیده

جملات شرطی چهاردهمین مورد از جهانی‌های زبان و قابل‌ارزیابی در چهارچوب‌های رده‌شناختی‌اند. هدف از این پژوهش توصیفی - کمی بررسی جملات شرطی زبان پهلوی ساخته‌شده با افعال دستگاه گذشته و بررسی نوع جهان ممکن آن براساس زمان دستوری بند شرط است. پیکره پژوهش کتاب‌های *زند بهمن‌یسن*، *گزیده‌های زادسپرم*، و *روایت پهلوی* است. بررسی آماری کتاب *روایت پهلوی* با حدود ۲۵۰ جمله شرطی انجام شد. برای پیکره آماری، ۱۶۰ جمله مشخص شد. براساس آمار به‌دست‌آمده از پیکره تحلیل، زمان دستوری بند شرط در ۸۵ درصد موارد بر دستگاه حال و ۱۵ درصد باقی‌مانده بر دستگاه گذشته ساخته شده بود. تحلیل معنایی نشان می‌دهد که در زبان پهلوی اگر زمان دستوری در بند شرط و جواب شرط گذشته باشد، گرایش زیادی برای حقیقی‌بودن جهان ممکن آن جمله شرطی وجود دارد. این نتیجه با برآیند پژوهش بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷) درباره جملات شرطی زبان فارسی معاصر، براساس رده‌شناسی دکلرک و رید، هم‌خوانی دارد. در ساخت جملات شرطی پهلوی بر دستگاه گذشته، علاوه بر فعل ماضی شرطی نامحقق، ماضی ساده، و ماضی نقلی، فعل غیرشخصی، جمله اسمیه، و اسم مصدر نیز کاربرد دارد. در یافته‌های این پژوهش، کاربرد فعل ماضی شرطی نامحقق در ساختار چند جمله مرکب با وجه اخباری نیز مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: جملات شرطی، جهان ممکن، رده‌شناسی، زبان پهلوی، زمان دستوری.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران، azariroshanak@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های رده‌شناسی زبان (language typology) و بررسی جهانی‌های زبان (universals of language) با تحلیل داده‌های توصیفی دقیق و قاعده‌مند از زبان‌های گوناگون حاصل شده است (فرهنگی ۱۳۹۳: ۷۶). جهانی‌های زبان دربردارنده مؤلفه‌هایی در زبان‌ها هستند که برای تمام زبان‌های ممکن و انواع آن ضروری و ثابت است. این مؤلفه‌ها قابل تعمیم به زبان‌هایی است که تاکنون بررسی نشده‌اند یا جزو زبان‌های خاموش محسوب می‌شوند و حتی قابل تعمیم به زبان‌هایی است که هنوز به وجود نیامده‌اند (Siemund 2011: 2). چهاردهمین مورد از جهانی‌های زبان، که گرینبرگ بدان دست یافته، درمورد جملات شرطی است: «در همه زبان‌ها، برای جملات شرطی با جمله‌بندی عادی (normal order) عبارت شرط همیشه جلوتر از عبارت جواب شرط می‌آید» (Greenberg 1963: 63).

جملات شرطی همواره یکی از موضوعات حائزاهمیت در حوزه‌های معنی‌شناسی، کاربردشناسی، و فلسفه زبان بوده و با رویکردهای مختلفی به آن پرداخته شده است. علاوه بر منظرهای غیرنحوی، بررسی این جملات از لحاظ ساختار نحوی در قالب نظریه‌های جدید نیز مورد توجه قرار گرفته است (کبیری و درزی ۱۳۹۴: ۳۲). نحو جملات شرطی به وضوح با نحو دیگر جملات مرکبی که با «و»/«یا» به هم متصل می‌شوند متفاوت است. ساختار جملات شرطی شامل عبارات هم‌پایه (coordinated clauses) با یکدیگر نیست، بلکه این جملات دارای عبارات پیرو - پایه (subordinated-main clauses) است. بدین ترتیب، جمله مقدم (پیرو) و نتیجه (پایه) از نظر نحوی با یکدیگر برابر نیستند؛ جمله مقدم از نظر نحوی یک عبارت قیدی محسوب می‌شود (Schulz 2015: 806). از منظر معنایی نیز باید تفاوت معنای شرطی اخباری را با شرطی التزامی یا خلاف واقع (ضدحقیقی) (counterfactual) لحاظ کرد (ibid.: 809).

در حالی که زمان دستوری و نمود دو مشخصه‌ای هستند که با مفهوم زمان مرتبط‌اند، وجه فعلی، که از مشخصه‌های تصریفی در بندهای زمان‌دار است، باتوجه به بیان درجه قطعیت گزاره‌ها، نظر گوینده را نسبت به میزان قطعی، احتمالی، شرطی، یا امری بودن وقوع فعل بیان می‌کند. البته سه ویژگی زمان دستوری، نمود، و وجه را از نظر معنایی نمی‌توان کاملاً از هم جدا و مستقل دانست (اسماعیلی ۱۳۹۹: ۲). براساس چهارچوب نظری دکلرک و رید (Declerck and Reed 2001)، که یک چهارچوب معنایی رده‌شناختی است، جمله‌های

شرطی را، باتوجه به جهان ممکن (possible world) بند شرط، می توان رده بندی کرد؛ در هر نوع، زمان دستوری افعال می تواند گذشته، حال، یا آینده باشد. منظور از جهان ممکن موقعیتی است که در آن اشیا و روی داده ها وجود دارند یا می توانند وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، جهان ممکن واقعی موقعیتی است که اشیا واقعاً در آن وجود دارند و جهان ممکن غیرواقعی موقعیتی است که می تواند وجود داشته باشد (بقایی و نگزگوی کهن ۱۳۹۷: ۵۶).

مقالات نوشته شده در مورد جملات شرطی زبان فارسی، که از دیدگاه نحوی، معناشناختی، یا شناختی بوده اند، در حیطه زبان فارسی نو یا با مقایسه زبان های دیگر انجام شده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی گرایش زمان دستوری بخشی از جملات شرطی در زبان پهلوی در ارتباط با نوع جهان ممکن آن ها و مقایسه نتایج این بررسی با نتایج به دست آمده از پژوهش های مربوط به زبان فارسی نو بر اساس چهارچوب نظری دکلرک و رید (Declerck and Reed 2001) است. بدین ترتیب، این پژوهش در پی نشان دادن ارتباط زمان دستوری افعال بند شرط و جواب شرط با نوع جهان ممکن جمله شرطی از نظر حقیقی (factual) یا نظری (theoretical/ nonfactual) بودن آن در زبان پهلوی است.

۲. پیشینه پژوهش

در حیطه زبان پهلوی، جملات شرطی از نظر فعل دستوری و جایگاه بند پایه و پیرو در چند مقاله و کتاب به طور خلاصه بررسی شده اند که به این موارد می توان اشاره کرد: نیبرگ (Nyberg 1974)، در بخش تحلیل دستوری، نمونه هایی از جملات شرطی را در توضیح ساخت فعل شرطی نامحقق (unfulfilled) در زبان پارسی و پهلوی ذکر می کند (ibid.: 283). مقاله «تحول وجه تمنایی به ماضی استمراری در زبان های ایرانی» (قریب ۱۳۷۹) مثال هایی از جملات شرطی در دوره باستان (زبان فارسی باستان (همان: ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱) و اوستایی (همان: ۲۵۳)) و دوره میانه (زبان های میانه شرقی (همان: ۲۵۷) و میانه غربی شامل پارسی مانوی (اشکانی ترفانی) (همان: ۲۶۵، ۲۶۷) و فارسی میانه مانوی (همان: ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸)) دارد. در مقاله ذکر شده، تمرکز اصلی بر تحول وجه تمنایی است. اما، علاوه بر بررسی زمان دستوری فعل، در حیطه معنایی به نوع جملات شرطی نیز پرداخته و از آن ها تحت عنوان مضارع نامحتمل، ماضی نامحتمل، و ماضی نامحقق نام برده شده است. در کتاب طرح /جمالی دستور زبان پهلوی (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲)، بخش انواع فعل های مضارع و

ماضی، چند جمله شرطی در مثال‌های دستگاه مضارع و ماضی آمده و بیان شده است که اگر فعل شرطی بیان‌کننده امکان وقوع کاری (unreal) باشد، به صورت مضارع اخباری به کار می‌رود (همان: ۷۵-۷۹). بخشی از مقاله «فعل خواستاری: ساخت و کاربرد آن در فارسی میانه» (آموزگار ۱۳۸۶) شامل نمونه‌هایی از جملات شرطی و کاربرد فعل خواستاری در آن‌هاست (همان: ۱۳۱). در بخش نحو کتاب *دستور تاریخی زبان فارسی* (ابوالقاسمی ۱۳۸۹)، سه جمله شرطی به زبان پهلوی (همان: ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۷) و یک جمله شرطی به زبان فارسی میانه ترفانی (همان: ۱۹۰) آمده است که مربوط به بررسی محل فعل در جمله است؛ در این بخش، ساخت شرطی محور سخن نیست. در فصل دوازدهم همین کتاب، جمله‌های پیرو شرطی نوعی از جمله‌های مرکب معرفی شده‌اند و مثال‌هایی از فارسی میانه زردشتی و ترفانی و اشکانی ترفانی (همان: ۳۸۲، ۳۸۳) برای آن‌ها آورده شده است. در بررسی زمان دستوری بندهای شرط و جواب شرط، ذکر شده که اگر نوع شرطی انجام‌یافتنی باشد، فعل ممکن است التزامی یا اخباری بیاید؛ اما در جمله‌ای که شرطی ناممکن دارد، فعل بند شرط و جواب شرط خواستاری است. البته مثال‌های ذکرشده فقط در دستگاه مضارع هستند. مقاله دیگر، که در آن نمونه‌هایی از جملات شرطی زبان پهلوی مشاهده می‌شود، ساخت ناشناخته فعل التزامی را در فارسی میانه بررسی می‌کند (قائم‌مقامی ۱۳۹۵: ۱۲۸). تا آن‌جا که نگارنده جست‌وجو کرده، مقاله‌ای که صرفاً به ساخت، وجه، و نوع جملات شرطی و زمان‌های دستوری به‌کاررفته در آن‌ها پرداخته باشد یافت نشد.

گذشته از بررسی‌های انجام‌شده درباره جملات شرطی زبان فارسی نو با رویکرد دستور سستی، در دهه اخیر مقالاتی با رویکردهای گوناگون و براساس نظریات جدید زبان‌شناسی برای بررسی جملات شرطی نگاشته شده است. پهلوان‌نژاد و رسول‌پور (۱۳۹۱)، در بررسی انواع جملات مرکب در زبان فارسی برپایه نظریه دستور نقش و ارجاع، جملات شرطی را نمونه‌ای از جمله مرکب با رابطه «ناهم‌پایگی جمله‌ای» می‌دانند (همان: ۱۸). کبیری و درزی (۱۳۹۴) جایگاه نحوی بند شرطی را بررسی کرده‌اند. این تحلیل براساس تقسیم‌بندی هگمن (۲۰۰۳) است که جملات شرطی را به دو دسته روی‌دادی و پیش‌زمینه‌ای تقسیم می‌کند (کبیری و درزی ۱۳۹۴: ۴۳). ابن‌الرسول و دیگران (۱۳۹۵)، با رویکرد معنایی، رابطه سببی بین پایه و پیرو شرطی (شرط و جواب شرط) را به انواع شرط تحقق‌یافته، تحقق‌پذیر، و تحقق‌ناپذیر تقسیم کرده‌اند (همان: ۹۸).

بقایای و نغزگوی کهن (۱۳۹۷) به بررسی جملات شرطی زبان فارسی معاصر براساس رده‌شناسی دکلرک و رید پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که ساخت جملات شرطی فارسی با رده‌شناسی مذکور مطابقت دارد، جهان ممکن نظری باز (open theoretical possible world) بالاترین بسامد را دارد و جهان‌های ممکن خنثی (neutral)، بسته (closed)، حقیقی (factual)، غیرقطعی (tentative)، و ضدحقیقی (counterfactual) به ترتیب بیش‌ترین بسامد را بعد از جهان ممکن باز دارند. بالاتر بودن بسامد وقوع جهان ممکن باز از آن‌جا نشئت می‌گیرد که، در این جهان ممکن، موقعیتی فرضی که احتمال وقوع دارد در نظر گرفته می‌شود و قطعیتی درباره وقوع آن وجود ندارد؛ چیزی که با کارکرد ساخت شرطی بیش‌ترین تطابق را دارد (همان: ۵۹). بقایای و نغزگوی کهن، براساس رده‌شناسی دکلرک و رید و بررسی زمان دستوری در بندهای شرط و جواب شرط، به نتایجی درباره نوع جهان ممکن جمله شرطی در زبان فارسی معاصر دست یافته‌اند؛ تحلیل آماری آنان نشان می‌دهد که بین زمان دستوری افعال بندهای شرط و جواب شرط با نوع شرطی در زبان فارسی معاصر رابطه‌ای وجود دارد. در این زبان، گرایشی قوی برای باز بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جواب شرط آن‌ها غیر گذشته است. از طرف دیگر، گرایشی قوی نیز برای حقیقی بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جواب شرط آن‌ها گذشته است (همان: ۷۰). در توضیح این نکته باید گفت که چون زمان موقعیتی را برای گوینده ایجاد می‌کند که مشخص‌کننده یا آغازکننده نقطه مرجعی در زمان است، از نظر کروگر (۲۰۰۵) گروه‌بندی اصلی برای زمان‌های دستوری به دو بخش گذشته و غیر گذشته محدود می‌شود (بقایای و نغزگوی کهن ۱۳۹۷: ۶۲).

۳. پیکره و روش کار

پژوهش حاضر توصیفی - کمی است. پیکره انتخاب شده برای استخراج جملات شرطی در زبان پهلوی شامل سه کتاب گزیده‌های زادسپرم، زند بهمن یسن، و روایت پهلوی است که زمان تألیف یا تدوین آن‌ها به یک‌دیگر نزدیک است. گزیده‌های زادسپرم، تألیف زادسپرم، پسر گشن جم، است که در قرن‌های نهم و دهم میلادی می‌زیسته است (تفضلی ۱۳۷۶: ۱۴۵). نویسنده زند بهمن یسن ناشناس است و نسخه‌ای که اکنون از آن در دست است به احتمال قوی در ۱۰۹۹ میلادی تدوین شده است (زند بهمن یسن ۱۳۷۰: هفت).

گردآورنده و زمان تألیف *روایت پهلوی* معلوم نیست، اما از مقایسه آن با کتاب‌های تألیف‌شده در قرن نهم و نیمه اول قرن دهم میلادی و با در نظر گرفتن نثر صحیح و استوار کتاب می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب در همین زمان گردآوری نهایی شده است (تفضلی ۱۳۷۶: ۱۵۳-۱۵۴).

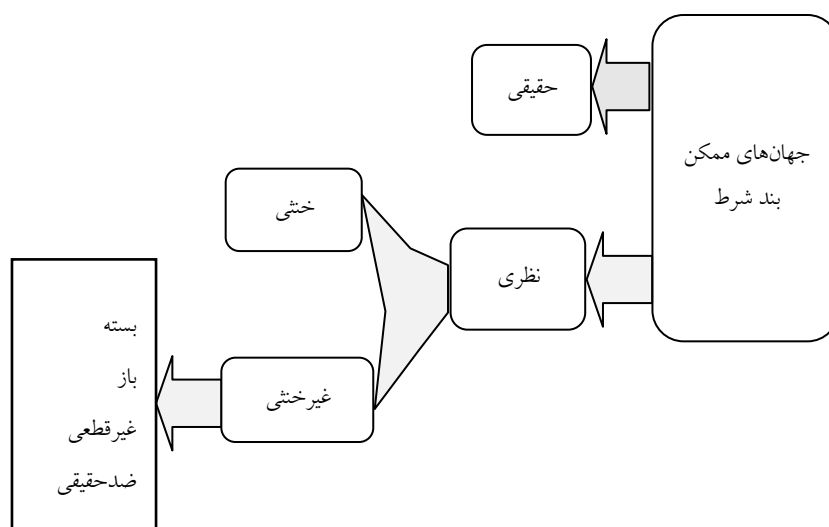
جملات شرطی یافت‌شده در کتاب *گزیده‌های زادسپرم* شش مورد و در کتاب *زند بهمن‌یسن* هفت مورد است. به‌همین سبب، پیکره آمارگیری به کتاب *روایات پهلوی* محدود شده است. این کتاب، که دربردارنده مطالب گوناگون دینی، آیینی، اجتماعی، و اسطوره‌ای است، در بعضی فصول به بحث درباره رعایت آیین‌های دینی و انجام‌دادن آن‌ها ب‌روفق سنت و دین می‌پردازد (*روایت پهلوی* ۱۳۶۷: هشت). همین امر موجب شده است که بایدها و نبایدهای دینی در قالب جملات شرطی در اکثر بخش‌های کتاب وجود داشته باشد. تعداد جملات شرطی یافت‌شده در کل کتاب (۶۵ فصل با ۲۰۹ صفحه براساس نسخه ده‌بابار (Dhabhar 1913)) حدود ۲۵۰ مورد است.

کتاب *روایت پهلوی* به چهار قسمت پنجاه و دو صفحه‌ای تقسیم و از هر قسمت ۲۵ صفحه نخست آن برای تحلیل کمی انتخاب شده و جملات شرطی آن بخش‌ها استخراج شده است. تقسیم‌بندی ابتدا براساس زمان دستوری در بند شرط انجام شد؛ سپس جملاتی که زمان دستوری بند شرط و جواب شرط آن‌ها هر دو گذشته بود انتخاب شد؛ این جمله‌ها براساس نوع جهان ممکن حقیقی و نظری از نظر معنایی تقسیم‌بندی شدند. علامت اختصاری برای کتاب‌های *روایت پهلوی*، *گزیده‌های زادسپرم*، و *زند بهمن‌یسن*، در مثال‌های ذکر شده، به ترتیب RP، GZ، و BY است؛ شماره کنار این علامت‌های اختصاری نشان‌دهنده صفحه در نسخه‌های متون پهلوی است. مرجع متن پهلوی و آوانویسی در این پژوهش برای *زند بهمن‌یسن* به ترتیب نسخه‌های انکلساریا (Anklesaria 1957) و چرتی (Cereti 1995) است. برای متن پهلوی و آوانویسی کتاب *گزیده‌های زادسپرم* از نسخه‌های انکلساریا (1964) و ژینو و تفضلی (Zatspram 1993) استفاده می‌شود. آوانویسی جملات *روایت پهلوی* از کتاب ویلیامز (Williams 1990) صورت می‌گیرد.

ترجمه فارسی نو *روایت پهلوی* براساس ترجمه میرفرخایی (*روایت پهلوی* ۱۳۶۷)، *گزیده‌های زادسپرم* براساس ترجمه راشد محصل (زادسپرم ۱۳۶۶)، و *زند بهمن‌یسن* براساس ترجمه راشد محصل (*زند بهمن‌یسن* ۱۳۷۰) است.

۱.۳ رده‌شناسی دکلرک و رید

دکلرک و رید (۲۰۰۱) برای انواع جهان‌های ممکنِ بندِ شرطِ نوعی رده‌شناسی مطرح کرده‌اند. براساس این رده‌شناسی، جهان ممکن بند شرط در وهله اول می‌تواند جهان حقیقی یا نظری باشد. اگر جهان ممکن نظری باشد، می‌تواند خشتی یا غیرخشتی (nonneutral) باشد. چنانچه جهان ممکن بند شرط از نوع غیرخشتی باشد، خود می‌تواند بسته، باز، غیرقطعی، و ضدحقیقی باشد (ibid.: 77-78). شکل ۱ تقسیم‌بندی جهان‌های ممکن جملات شرطی را براساس رده‌شناسی دکلرک و رید نشان می‌دهد.



شکل ۱. جهان‌های ممکن بند شرط براساس رده‌شناسی دکلرک و رید (۲۰۰۱)

برای هریک از انواع جهان‌های ممکن بند شرط در زبان فارسیِ نو یک نمونه ارائه می‌شود:

- جهان ممکن حقیقی: «اگر پژوهشی داشتم، همیشه به کتاب‌خانه می‌رفتم»؛
- جهان ممکن نظری خشتی: «اگر خطر آفت برای محصولات وجود دارد، هر سال سم‌پاشی کنید»؛ «اگر آب بجوشد، تبدیل به بخار می‌شود»؛
- جهان ممکن نظری غیرخشتی بسته: «اگر بخوام به اتوبوس عصر برسم، باید الآن حرکت کنم»؛

- جهان ممکن نظری غیرختای باز: «اگر بیاید، با او صحبت می‌کنم»؛
- جهان ممکن نظری غیرختای غیرقطعی: «اگر دارو را می‌خورد، حالش بهتر می‌شد»؛
«اگر شهاب‌سنگی با آن اندازه به زمین می‌خورد، کل حیات نابود می‌شد»؛
- جهان ممکن نظری غیرختای ضدحقیقی: «اگر در آن کار مهارت داشت، الآن دستگاه خراب نشده بود».

تقسیم‌بندی جهان نظری به انواع خنثی و غیرخنثی و زیرمجموعه‌های آن نیازمند رویکرد معنایی دقیقی است و مثال‌هایی که در این جا آمده براساس تطبیق انواع جهان‌های ممکن در مثال‌های زبان انگلیسی با فارسی نو در بخش چهارم کتاب جملات شرطی: یک تحلیل تجربی جامع است (Declerck and Reed 2001: 65-108). یکی از مشکلات نمونه‌های زبان پهلوی این است که تعداد بسیاری از جملات شرطی پیکره بررسی شده بیش از یک بند شرط یا جواب شرط دارند و در آن‌ها حذف به قرینه لفظی صورت گرفته است. گاهی نیز در هریک از بندهای شرط یا جواب شرط وابسته‌هایی به صورت جمله ربطی توضیحی با تنوع زیادی در زمان‌های دستوری وجود دارد که طول جمله شرطی را به چند خط می‌رساند. برای شمارش دقیق جملات، نیاز است که بعضی جملات بازسازی شوند و حذف در آن‌ها مشخص شود، اما این کار در این مقاله ممکن نیست؛ به همین سبب، این جملات در شمارش، براساس روساخت، یک جمله شرطی محسوب می‌شوند.

نکته دیگر آن است که، بر اثر تغییرات صرفی و نحوی زبان فارسی از دوره میانه به نو، ترجمه بعضی از جملات شرطی به فارسی نو به طور کامل قابل انطباق با معنای پهلوی آن نیست یا امکان دارد که جمله به گونه‌ای معنا شود که دیگر وجه شرطی نداشته باشد. به همین دلیل، سعی شد تا جای ممکن حرف ربط وابسته‌ساز شرطی «*ka*» یا معادل‌های آن در جمله به عنوان ملاک صوری تشخیص جملات شرطی لحاظ شود. در مواردی نیز حرف ربط وابسته‌ساز در جملات شرطی محذوف است.

از آن جاکه گاهی مرزبندی بین انواع جهان‌های نظری خنثی و غیرخنثی و زیرمجموعه‌های آن، یعنی جهان نظری بسته، باز، غیرقطعی، و غیرحقیقی، در مثال‌های زبان پهلوی دشوار است، به منظور محدود کردن دامنه خطا و اطمینان از تشخیص نوع جملات از نظر معنایی، تقسیم‌بندی به دو جهان حقیقی و نظری محدود شد. در پایان، نتایج به دست آمده از مقاله بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷) درباره جملات شرطی زبان فارسی معاصر براساس

رده‌شناسی دکلرک و رید، که در حیطه پژوهش این مقاله است، با نتایج به‌دست‌آمده درباره جملات زبان پهلوی مقایسه می‌شود.

۴. ساخت جملات شرطی در زبان پهلوی

جمله شرطی در زبان پهلوی نوعی جمله مرکب است که، همانند زبان فارسی نو، از نظر ساختاری شامل یک جمله هسته (پایه) و حداقل یک جمله وابسته (پیرو) است. حرف ربط در جمله شرطی از انواع وابسته‌ساز است و در ابتدای جمله وابسته می‌آید (وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۸۵: ۱۱۳، ۱۱۶). این حرف ربط وابسته‌ساز بیان‌کننده شرط، احتمال، و عدم قطعیت است. جمله پیرو در این نوع جملات مرکب «جمله شرط» و جمله پایه «جواب شرط» نامیده می‌شود. در زبان پهلوی، حرف ربط وابسته‌ساز در اکثر موارد «*agar*» است و گاهی نیز «*ka*» یا «*ku*» به کار برده می‌شود؛ همه این موارد بیان‌کننده شک و تردید و به معنای «اگر» هستند (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۷۵). جمله شرطی در دو دستگاه حال و گذشته با انواع زمان‌های دستوری، با وجوه خواستاری (تمنایی)، اخباری، التزامی، و امری، و همچنین با افعال غیرشخصی (*impersonal*)، اسم مصدر، و جملات اسمیه ساخته می‌شود. در ادامه، به بررسی تنوع ساختاری جملات شرطی با زمان‌های دستوری گذشته در بند شرط، با ذکر مثال، پرداخته می‌شود.

۱.۴ زمان‌های دستوری زبان پهلوی در دستگاه گذشته

ماضی ساده، ماضی نقلی، و ماضی بعید با وجه اخباری، براساس این که فعل اصلی نیاز به مفعول مستقیم دارد یا نه، به دو شیوه متفاوت ساخته می‌شوند و ماده ماضی از صفت مفعولی فعل اصلی گرفته می‌شود (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۷۶). در زبان پهلوی ماضی التزامی وجود ندارد. یکی از زمان‌های دستوری که در ساخت جملات شرطی کاربرد دارد ترکیب ماده ماضی فعل اصلی است که پس از آن صیغه سوم‌شخص مفرد مضارع خواستاری فعل «*h*»، یعنی «*he*»، و گاهی نیز صیغه سوم‌شخص مفرد مضارع التزامی، یعنی «*hād*»، به عنوان فعل کمکی می‌آید. این زمان دستوری ماضی شرطی نامحقق (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۷۹) یا شرطی ناتمام (Nyberg 1974: 283) نامیده می‌شود.

1. “*xward hē*” (RP. 90); “*afsard hē*” (RP. 38); “*āmad hē*” (RP. 132); “*dānist hē*” (RP. 8 & 67).

فعل‌های ذکرشده در مثال ۱ و دیگر نمونه‌های کاربرد ماضی شرطی نامحقق در متون فقط در جملات مرکب و غالباً در جملات شرطی دیده می‌شود. در این پژوهش، چند نمونه جمله مرکب غیرشرطی نیز مشاهده شد که در آن‌ها فعل ماضی شرطی نامحقق به کار رفته است (RP. 136; RP. 19; ZY. 41).

2. “*framūd hād*” (RP. 136); “*būd hād*” (RP. 39).

در کتاب‌های بررسی‌شده، مثال ۲ تنها مثال یافت‌شده برای ساخت ماضی شرطی با فعل کمکی «*hād*» در جملات مرکب شرطی است.

۲.۴ تنوع ساخت جملات شرطی با فعل‌های دستوری زمان گذشته

ترکیبات متنوعی در ساخت جملات شرطی با فعل‌های دستوری زمان گذشته وجود دارد که در مثال‌های بعدی می‌آید. در پایان هر گروه از مثال‌ها، توضیحات لازم ذکر می‌شود.

۱.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نامحقق، با فعل کمکی «*hē*» در جمله‌های شرط و جواب شرط

3. “*Čē agar-it nē zad hē, mar ī Tūr Frangrasiyāb duzd ī hamāg ān [wardēnišn] būd hē, kē frašgird kardārīh ī weh*” (RP. 148).

ترجمه مثال ۳: چه اگر افراسیاب تورانی تبه‌کار را نکشته بودی، او دزد همه آن تغییر می‌بود که فرشگرد سازی نیک است (جهان ممکن حقیقی).

4. “*ka dār ē tāg būd hē, hugartar būd hē*” (GZ. 136).

ترجمه مثال ۴: اگر (حتی) یک تکه‌چوب بودی، آسان‌تر بودی (جهان ممکن نظری غیرحقیقی).

5. “*agar-iš ān tis nē dād hē, o oy druwand Ahreman sūsōmandtar būd hē, ud dāmān ī man aziš garān wizend būd hē*” (RP. 37).

ترجمه مثال ۵: اگر آن چیز را نمی‌آفرید، برای اهریمن پلید سودمندتر می‌بود و برای آفریدگان من از آن گزندِ گران می‌بود (جهان ممکن حقیقی).

6. “*[ka] mardōm nē murd hē, zarmānīh rāy be ōzd abayist hē, ud hamāg mardōn ēk abāg did pad hamāg rōzgār koxšišn ud kārzār kard hē*” (RP. 38).

ترجمه مثال ۶: [اگر] مردم به سبب پیری نمی‌مردند، پیر را کشتن بایستی و همه مردم به همه روزگار با یک‌دیگر ستیز و کارزار می‌کردند (جهان ممکن حقیقی).

جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی ... (روشنک آذری) ۴۵

در مثال ۵ و ۶، برای یک جمله شرطی دو جواب شرط وجود دارد. حذف به قرینه لفظی جمله شرط یا جواب شرط در بسیاری از جمله‌های شرطی زبان پهلوی مشاهده می‌شود. برای مشخص کردن تعداد دقیق جملات شرطی، باید جملات زیر ساخت مشخص شود.

۲.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نامحقق با فعل کمکی «*hē*» یا «*hād*» در جمله‌های شرط و جواب شرط

7. “*čē agar ātaxš ōh sōxt hē, be nē afsard hē, hamāg ēn gēhān ēdōn be ēstād hē, ā harw kas sōzišn bēm būd hād, az-iš garān anāgīh ud dušxwārīh būd hād*” (RP. 38 & 39).
ترجمه مثال ۷: چه اگر آتش هم‌چنان می‌سوخت و نمی‌فسرد، آتش در همه جهان چنان می‌ایستاد، آن‌گاه هرکس را بیم سوزش بودی و از آن بدی و دشواری گران بودی (جهان ممکن حقیقی).
در مثال ۷، حذف به قرینه لفظی هم در جمله شرط و هم در جواب شرط مشاهده می‌شود.

۳.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نامحقق و ماضی ساده در جمله شرط و جواب شرط

8. “*be ham rāhīhā be ō wahišt ī bāmīg šud hem, agar-it nimūd būd hē āštīh az xwēš menišn*” (GZ. 160).
ترجمه مثال ۸: اگر آشتی از اندیشه خویش را نموده بودی، به هم‌راهی یک‌دیگر به بهشت درخشان می‌رفتیم (جهان ممکن نظری غیرخشی).
9. “*ka-šān ag-dēn be kard, pas hamāg wināh ..., čiyon ka-š pad dast ī xwēš kard hē*” (RP. 100).
ترجمه مثال ۹: اگر به‌وسیله ایشان بددین کرده شد (اگر او را بددین کردند)، همه گناهی را که ...، چنان باشد که به‌دست خویش کرده باشد (جهان ممکن نظری غیرخشی).
در مثال ۸، تقدم جواب شرط بر جمله شرط مشاهده می‌شود.

۴.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و جمله اسمیه در جمله شرط و جواب شرط

10. “*ud ka-šān gyān be ō kīr-rēnišn ēstād, ud az gētīg an-ummēd būd hēnd, ā-šān pas ahlāyīh ī ruwān az harw tis kāmāgtar*” (RP. 39).
ترجمه مثال ۱۰: اگر ایشان را جان (از تن) جدایی ایستاد و از گیتی ناامید شدند، پس ایشان را رستگاری روان از هرچه به‌کام‌تر است (جهان ممکن نظری غیرخشی).

در مثال ۱۰، دو بند شرط برای یک بند جواب شرط وجود دارد.

۵.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و اسم مصدر در جمله شرط و جواب شرط

11. “ē ka dast-graw kard, pad yazišn ī yazdān kunišn” (RP. 188).

ترجمه مثال ۱۱: اگر (حیوان) اسیر شد، باید آن را برای یزش ایزدان کشت (جهان ممکن نظری خشتی).

۶.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و فعل غیرشخصی در جمله شرط و جواب شرط

12. “ud ka pahrēz ō astawān dād, harw gāh ud gāhānbār zōhr ī pāk be tūwān dād” (RP. 65).

ترجمه مثال ۱۲: اگر مراقبت آن را به مؤمن داد، می‌تواند هرگاه و گاهانبار زوهر پاک دهد (جهان ممکن نظری غیرخشتی).

۷.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده در هر دو جمله شرط و جواب شرط

13. “ka-š daštān māh wizard, ā-š harw bār-ē sē sad kirbag būd” (RP. 125).

ترجمه مثال ۱۳: اگر دشتان ماهش به‌پایان رسید، پس هر باری ۳۰۰ ثواب است (جهان ممکن نظری خشتی).

۸.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی ساده و مضارع اخباری در جمله شرط و جواب شرط

14. “u-š [ka] widard mērag, az xwāstag ī mērag ā-š tis-iz bahr nē bawēd” (RP. 108).

ترجمه مثال ۱۴: [اگر] شوهر او مرد، پس او را از خواسته شوهر هیچ بهری نباشد (جهان ممکن نظری غیرخشتی).

15. “ka-š petītīg kard, be o dušōx nē šawēd” (RP. 41).

ترجمه مثال ۱۵: اگر توبه کرد، به دوزخ نرود (جهان ممکن نظری غیرخشتی).

حذف حرف ربط وابسته‌ساز شرطی در مثال ۱۴ مشاهده می‌شود.

۹.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و جمله اسمیه در جمله شرط و جواب شرط

16. “mardōmān ka-šān kustīg wišād ud pērāhan ī ew-tāg paymōxt ēstēd, fradōm gām be nihēnd, framān-ē wināh” (RP. 35).

جهان ممکن حقیقی در جملات شرطی زبان پهلوی ... (روشنک آذری) ۴۷

ترجمه مثال ۱۶: اگر مردمان کستی گشاده و پیراهن یک‌لا پوشیده باشند، نخستین گامی که بنهند یک فرمان گناه (جهان ممکن نظری خشتی).

۱۰.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و اسم مصدر در جمله شرط و جواب شرط

17. “ud ka ō aētām ā yātum<a>nahe jasaiti mad, u-š xwaršēd nē yašt ēstēd, ā-š ul ō pāy ēstišn, ..., u-š ašām vohū be gōwišn” (RP. 182).

ترجمه مثال ۱۷: اگر به «او را همان پادافراه است که جادوگری راست» رسد و خورشید را یشت نکرده باشد، پس باید برپا ایستد و ... «اشم وهو» بگوید (جهان ممکن نظری غیرخشتی).

۱۱.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و فعل غیرشخصی در جمله شرط و جواب شرط

18. “ka-š margarzān was kard ēstēd, ruwān was sar brīd šāyēd” (RP. 42).

ترجمه مثال ۱۸: اگر گناه مرگ‌ارزان بسیار کرده باشد، می‌توان سر روان را بسیار بار برید (جهان ممکن نظری غیرخشتی).

19. “ē ka-z yašt nē sāxt ēxtēd, pad drōn nē pādixšāy kuštan” (RP. 188).

ترجمه مثال ۱۹: حتی اگر برای یشتن آماده نشده است، جایز نیست [حیوان] دیگری برای [مراسم] درون کشت (جهان ممکن نظری خشتی).

۱۲.۲.۴ ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی و مضارع اخباری در جمله شرط و جواب شرط

20. “ka-š čahār sāl pad zanīh dārēd, u-š yašt kard ēstēd, ā-š ruwān āškārag be garōdmān šawēd” (RP. 19).

ترجمه مثال ۲۰: اگر چهار سال به زنی دارد و یشت کرده باشد، پس آشکارا روانش به گرودمان رود (جهان ممکن نظری خشتی).
در مثال ۲۰، دو بند شرط برای یک بند جواب شرط مشاهده می‌شود.

۳.۴ تحلیل آماری جملات شرطی در پیکره

همان‌طورکه در بیان دشواری‌های پژوهش آمد، بعضی از جملات شرطی شامل یک بند پایه و دو یا چند بند پیرو یا بالعکس هستند و حذف بند شرط یا بند جواب شرط به قرینه لفظی در موارد زیادی مشاهده می‌شود (مثال‌های ۵، ۶، ۱۰، و ۲۰). در فرایند شمارش این

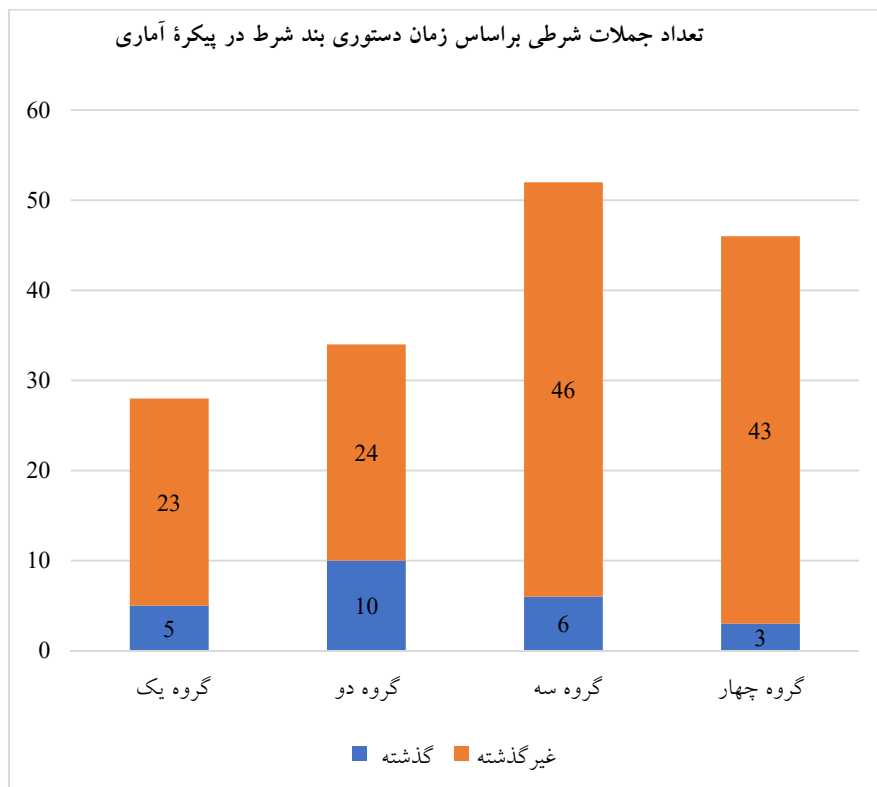
جملات شرطی، براساس روساخت، یک جمله محسوب می‌شوند. در جدول ۲، تعداد کل جملات شرطی یافت‌شده در پیکره بررسی‌شده و تفکیک زمان دستوری فعل بند شرط به گذشته و غیرگذشته آمده است.

جدول ۲. تعداد کل جملات شرطی یافت‌شده در پیکره آماری و تحلیل زمان دستوری بند شرط

گروه	شماره صفحات متن پهلوی	تعداد جملات شرطی یافت‌شده	درصد فراوانی در متن کتاب	زمان دستوری بند شرط براساس تعداد جملات	
				گذشته	غیرگذشته
۱	۲۵-۱	۲۸	٪۱۷	۵	۲۳
۲	۷۷-۵۳	۳۴	٪۲۱	۱۰	۲۴
۳	۱۲۹-۱۰۵	۵۲	٪۳۳	۶	۴۶
۴	۱۸۱-۱۵۷	۴۶	٪۲۹	۳	۴۳
جمع	۱۰۰ صفحه	۱۶۰ جمله		۲۴	۱۳۶

نمودار و جدول ۳. تفکیک زمان دستوری گذشته و غیرگذشته در بند جواب شرط

گروه	بند شرط با زمان دستوری گذشته	زمان دستوری در بند جواب شرط	
		گذشته	غیرگذشته
۱	۵	۱	۴
۲	۱۰	۷	۳
۳	۶	۱	۵
۴	۳	-	۳
جمع		۹	۱۵



در نمودار ۳، با تفکیک تعداد کل جملات شرطی براساس زمان دستوری بند شرط، مشخص می‌شود که ۱۵ درصد جملات شرطی با زمان دستوری گذشته و ۸۵ درصد جملات شرطی با زمان دستوری غیرگذشته در بند شرط ساخته شده‌اند. فعل‌های غیرشخصی، جملات اسمیه، یا اسم‌های مصدر که در ساخت بند جواب شرط یا، در موارد معدودی، در ساخت بند شرط دیده می‌شوند جزو افعال غیرگذشته محسوب شده‌اند. در جدول ۳، تعداد جملات شرطی‌ای که بند شرط آن‌ها گذشته است براساس زمان دستوری گذشته یا غیرگذشته در بند جواب شرط تفکیک شده‌اند.

باتوجه به جدول ۳، در پیکره بررسی شده، نه جمله شرطی که بند شرط و بند جواب شرط آن‌ها، هر دو، گذشته است مشاهده می‌شود. این جملات براساس نوع جهان ممکن در حیطه معنایی بررسی و باتوجه به جهان ممکن حقیقی و نظری تقسیم شده‌اند. این نه جمله در صفحات ۱۰، ۵۷، ۶۷، ۶۹ (دو جمله)، ۷۱، ۷۳، ۷۴ و ۱۲۵ پیکره‌اند که شرح آن در زیر می‌آید:

- *če ka mardōmān ān tis be wardēnīd, ā-šān be nē wardēnīd hē, ēdōn čiyōn Mahliyā ud Mahliyānē ..., hamāg mardōm paywand ud tōhmag ī xwēš dānist hē, hagriz brād ōy ī brād ... be nē hišt hē* (RP. 10).
- ترجمه: چه اگر مردمان آن کاری را که گرداننده بودند نگردانده بودند، هم‌چنان که ... همه مردم پیوند و تخمه خویش می‌دانستند و هرگز برادر برادر و خواهر خواهر را از دوستی رها نمی‌کرد.
- *če hagriz zīndag andar gēhān nē mānd hē, nē kē padēx ud tuwāngar ud nē kē pad sūd sūd-xwāstār, ka-m ātaxš ī wahrām nē dād hē* (RP. 57).
- ترجمه: هرگز موجود زنده در جهان نماندی، نه توان‌گر کام‌یاب و نه کسی که برای سود خواستار سود باشد، اگر آتش بهرام را نیافریده بودم.
- *agar-im ān az nē ōzad hē, ā-š hamāg dām ī tō be abesīhēnīd hē ud tō hagriz čārag ī Ahreman nē dānist hē* (RP. 67).
- ترجمه: اگر آن اژدها را نکشته بودم، پس همه آفرینش تو را نابود کرده بود و تو هرگز چاره اهریمن را ندانسته بودی.
- *agar-im be nē ōzad hē, Ahreman abar dām ī tō pādixša būd hē* (RP. 69 & 71)
- ترجمه: اگر او را نکشته بودم، اهریمن بر آفرینش تو پادشاه شده بود.
- این جمله در صفحه ۷۱ عیناً تکرار شده است.
- *ud agar-im awēšān ōbastān rāhdār nē ōzad hēnd, Ahreman abar dām ī tō pādixšā būd hē* (RP. 69).
- ترجمه: اگر من آن راه‌زن را نکشته بودم، اهریمن بر آفرینش تو پادشاه شده بود.
- *ka Kersāsp pad tanōmand ud gyānōmand nē būd hē, tis-iz ī dām ī tō pad gētīg estišn nē būd hē* (RP. 73).
- ترجمه: اگر گرشاسب تنومند و جان‌مند نبود، هیچ آفریده تو را به گیتی هستی نبود.
- *če ka Kersāsp nē būd hē, u-š ēn and kār nē kard hē, ī guft ēstēd, nē tō ud nē ēč dām ī man estišn nē būd hē* (RP. 74).
- ترجمه: زیرا اگر گرشاسب نبود و این چند کار که گفته شد نکرده بود، تو و هیچ‌یک از آفریدگان مرا هستی نبود.
- *ka-š daštān māh wizard, ā-š harw bār-ē sē sad kirbag būd* (RP. 125)
- ترجمه: اگر دشتان ماهش به‌پایان رسید، پس هرباری سی صد ثواب است.

به جز جمله صفحه ۱۲۵ (ماضی ساده در بند شرط و جواب شرط) و جمله نخست صفحه ۶۹ (ارگاتیو در بند شرط + ماضی شرطی نامحقق در جواب شرط)، در ساخت بقیه جملات، در هردو بند شرط و جواب شرط فعل ماضی نامحقق استفاده شده است. جهان ممکن جمله شرطی در هشت مورد نخست حقیقی و در جمله صفحه ۱۲۵ نظری است. جهان ممکن نظری در جمله صفحه ۱۲۵ از نوع خشی است.

۵. نتیجه گیری

براساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، این فرضیه تأیید می شود که رده شناسی معنایی دکلرک و رید در تشخیص جهان ممکن جملات شرطی، علاوه بر زبان فارسی نو، به زبان پهلوی نیز قابل تعمیم است. در زبان پهلوی، همانند زبان فارسی نو، گرایش بالایی برای حقیقی بودن جهان ممکن شرطی هایی وجود دارد که زمان دستوری بند شرط و جواب شرط آن ها در دستگاه گذشته است.

این بررسی نشان داد که در کتاب *روایت پهلوی* تعداد جملات شرطی ساخته شده با زمان دستوری در دستگاه حال برای بند شرط ۸۵ درصد و با زمان دستوری در دستگاه گذشته برای بند شرط ۱۵ درصد از پیکره را در بر می گیرد که شامل ۲۴ جمله است. از این تعداد جملات، جهان ممکن در نه مورد، که زمان دستوری بند شرط و جواب شرط هردو گذشته بود، بررسی شد. جهان ممکن هشت جمله حقیقی و فقط یک مورد نظری خشی بود.

کاربرد زمان های دستوری در دستگاه گذشته برای ساخت جملات شرطی در زبان پهلوی تنوع بالایی دارد و ماضی شرطی نامحقق، ماضی ساده، و ماضی نقلی در بندهای شرط و جواب شرط به کار می رود. گاهی اوقات در بند جواب شرط فعل های غیر شخصی، اسم مصدر، و جمله اسمیه نیز کاربرد دارد.

در زبان پهلوی، برای ساخت ماضی شرطی نامحقق از فعل کمکی «*hē*» استفاده می شود، اما در مواردی «*hād*» به عنوان فعل کمکی جایگزین کاربرد دارد. ماضی شرطی نامحقق همیشه در جملات مرکب و عمدتاً در جمله مرکب با وجه شرطی استفاده می شود؛ البته کاربرد ماضی شرطی نامحقق در چند جمله مرکب با وجه اخباری نیز در متون تحلیل شده مشاهده شد (BY. 41; RP. 19 & 136).

کتاب‌نامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶)، *زبان، فرهنگ، و اسطوره (مجموعه مقالات)*، تهران: معین.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۲)، *زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن*، تهران: معین.
- ابن‌الرسول، محمدرضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی، و مهری کاظمی (۱۳۹۵)، «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی»، *ادب فارسی*، س ۶، ش ۱، ۹۳-۱۱۲.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.
- اسماعیلی، محمدمهدی (۱۳۹۹)، «امری آینده؛ ساختی نادر در زبان‌های ایرانی»، *زبان‌شناخت*، س ۱۱، ش ۱، ۲۱-۱.
- بقایی، عاطفه و مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۷)، «زمان دستوری جهان‌های ممکن ساخت شرطی در زبان فارسی معاصر»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، س ۳، ش ۶، ۵۵-۷۱.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و حسین رسول‌پور (۱۳۹۱)، «جملات مرکب در زبان فارسی: تحلیلی برپایه نظریه دستور نقش و ارجاع»، *زبان‌شناخت*، س ۳، ش ۱، ۲۵-۱.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.
- روایت پهلوی: متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)* (۱۳۶۷)، ترجمه مهشید میرفرخایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زادسپرم (۱۳۶۶)، *گزیده‌های زادسپرم*، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زند بهمن‌یسن (۱۳۷۰)، *تصحیح متن، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت‌ها از محمدتقی راشد محصل*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فرهنگی، سهیلا (۱۳۹۳)، «نقد دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۴، ش ۱، ۷۵-۸۸.
- قائم‌مقامی، احمدرضا (۱۳۹۵)، «یک ساخت ناشناخته فعل التزامی در فارسی میانه»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، س ۶، ش ۱، ۱۲۵-۱۳۶.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۹)، «تحول وجه تمنایی به ماضی استمراری در زبان‌های ایرانی»، در: *یادنامه دکتر احمد تفضلی*، به‌کوشش علی‌اشرف صادقی، تهران: سخن، ۲۴۵-۲۷۸.
- کبیری، رؤیا و علی درزی (۱۳۹۴)، «جملات شرطی روی‌دادی در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱، ۴۸-۳۱.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلام‌رضا عمرانی (۱۳۸۵)، *دستور زبان فارسی (۱)*، تهران: سمت.

- Anklesaria, B. T. (1957), *Zand ī Vohūman Yasn*, Bombay: Messrs. K. L. Bhargava.
- Anklesaria, B. T. (1964), *Zatsparam*, Bombay: Godrej Memorial Printing Press.
- Cereti, G. C. (1995), *The Zand Ī Wahman Yasn: A Zoroastrian Apocalypse*, Roma: Instituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente.
- Dhabhar, E. B. (1913), *The Pahlavi Rivāyat*, Bombay, The fort Printing Press.
- Declerck, R. and S. Reed (2001), *Conditionals: A Comprehensive Empirical Analysis*, Berlin: de Gruyter Mouton.
- Greenberg, J. (1963), *Universals of Language*, London: MIT.
- Nyberg, H. S. (1974), *A Manual of Pahlavi*, vol. 1, Wiesbaden: Hubert & Co.
- Schulz, K. (2015), "Conditionals from a Linguistic Point of View: Two Case Studies", *Journal of Philosophical Logic*, no. 44.
- Siemund, P. (ed.) (2011), *Linguistic Universals and Language Variation*, Berlin: de Gruyter Mouton.
- Williams, A. (1990), *The Pahlavi Rivāyat, Accompanying the Dādestān ī Dēnīg*, Copenhagen: The Royal Danish Academy of Sciences and Letters.
- Zatsparam (1993), *Anthologie de Zādsparam*, P. Gignoux and A. Tafazzoli (trans.), Paris: Association pour L'avancement des Études Iraniennes.

